

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش سی و سوم

۱۶ می ۲۰۱۴

ایجاد ستاد کل

در همان اثنائی که حزب برای امحای فراکسیون صدیق پرمت مبارزه می کرد، پارتیزان ها و داوطلبان در سراسر کشور ضربات پیاپی بر اشغالگران فاشیست می زدند. نیرومندترین این حملات بر سپاهیان ایتالیائی در نزدیک معادن سلنسیا (اپریل ۱۹۴۳)، لسکو ویک (می)، در جاده استروگا - دبیر (جون)، در پرمت - کوکار - گریکارا مزگورانیترا- کیچوکوت (اوایل جولای) صورت گرفت. فقط در نبردهائی که در پرمت روی داد دشمن بیش از ۵۰۰ کشته بر جای گذاشت. روز شش جولای، پارتیزان های البانی به نخستین عملیات خویش علیه سپاهیان المانی در بارماش، محلی که مشرف بر جاده کورچا - ژانینا است، دست زدند.

در عین حال، واحد های پارتیزانی به کمک اهالی روستا، در برابر فاشیست های ایتالیائی که در کورولش و مزاپلیک (اپریل)، در پزا، در مالاکاسترو، در تیلناو اسپیراگ (جون) عمل می کردند به مقاومت مشغول بودند. اشغالگران چند لشکر کامل در این عملیات به ضد پارتیزان ها و مردم به کار انداختند، هزاران نفر از زنان، پیران و کودکان را کشتار، صدها دهکده را آتش زدند، گله هائی را تماماً با خود بردند ولی هیچ سود سیاسی و نظامی به دست نیاوردند. به عکس باعث شدند که آتش کین و خشم خلق بیش از پیش فروزان شود.

در وضعی که صفت مشخصه اش اعتلای خارق العاده انقلابی در سراسر کشور بود کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی به شورای عمومی رهایی ملی پیشنهاد کرد که آن مسائلی از مبارزه علیه فاشیسم که حل فوری لازم دارد مورد بررسی قرار گیرد. مسأله مقدم عبارت بود از سازماندهی ارتش رهاییبخش ملی البانی.

جلسه شورای عمومی در ۴ جولای ۱۹۴۳ در لایبوت تشکیل شد و به اتفاق آراء تصمیم گرفت که ستاد کل ارتش رهاییبخش ملی را تشکیل دهد. دبیر کل حزب کمونیست البانی، انور خوجه به عنوان کمیسر ستاد کل انتخاب گردید. روز ۱۰ جولای شورای عمومی و ستاد کل در طی اعلامیه خاصی این حادثه مهم را به اطلاع خلق رساندند.

ستاد به سازماندهی ارتش رهائیبخش ملی پرداخت و رهبری ستراتژیک و رزمی مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران و خائنان را در دست خود متمرکز ساخت. در عین حال تکتیک این مبارزه را تنظیم کرد. ستاد های منطقه ئی و ستاد منطقه ئی عملیات نیز ایجاد شد تا آن که فرماندهی واحد های پارتیزانی را در منطقه ها متمرکز گرداند. گروه های پارتیزانی تابع این ستاد ها در برخی از مناطق به وجود آمدند. روز ۱۵ اگست ۱۹۴۳ نخستین «تیپ ضربت» تشکیل شد و محمد شیخو به فرماندهی آن منصوب گردید.

در موقعی که ستاد کل ایجاد شد ارتش رهائیبخش ملی البانی در حدود ده هزار نفر جنگجو داشت که در قسمت های پارتیزانی ثابت متشکل بودند. به علاوه تعداد واحد های دفاع از خود در دهات آزاد شده و دسته های پارتیزانی در شهرها و مناطق اشغالی دو برابر تعداد جنگجویان بود.

تصمیم بسیار مهم دیگری که ستاد کل اتخاذ کرد عبارت بود از سازماندهی قدرت نظامی پارتیزانی در مناطق آزاد شده. «فرماندهی های منطقه ئی» و «فرماندهی های محلی» به عنوان ارگان های این قدرت به وجود آمدند. این فرماندهی ها در مناطق آزاد شده، وظایف پولیس توده ئی را انجام می دادند و به مثابه پشتیبانی و دستیار ارزشمند شورا های رهائی ملی و قسمت های پارتیزانی عمل می کردند.

مبارزه مسلحانه با ایجاد ستاد کل وارد مرحله جدیدی شد: مرحله سازماندهی کاملتر و گسترش توفانی، مرحله قیام همگانی توده ئی. واحد های ارتش رهائیبخش ملی و واحد های دفاع از خود به همراهی توده های مردم، در سراسر کشور به مبارزه علیه نیرو های مسلح اشغالگران ایتالیائی و نیرو های المانی که نفوذ در خاک البانی و عملیات خود را در آنجا آغاز کرده بودند، دست زدند. در یکی از حکم های ستاد کل گفته می شد، تا آنگاه که ارتش های اشغالی ایتالیائی و المانی «بدون قید و شرط تسلیم نشده اند، و تا آنگاه که حتی یک نفر فاشیست مسلح در میهن عزیز ما اقامت دارد مبارزه ما به شدیدترین وجهی ادامه خواهد یافت»^۱

نبرد های پارتیزان ها و مردم محل در ماه جولای در مالاکاسترو، تپلنا، به ضد لشکر های ایتالیائی و المانی که در صدد تخریب پایگاه های مبارزه رهائیبخش ملی در این مناطق بودند برای دشمن به قیمت تقریباً هزار کشته تمام شد. فاشیست ها همچنین در طی ضربه ای که در پڑسکا در کنار جاده کافارا تانش - پوگرادس بر آنها وارد آمد تلفات سنگینی دادند. نبردهای خونینی علیه سپاهیان ایتالیائی در گرفت، من جمله در بورل کافارا اشتاس و کافارا بوئلیت که در آنجا قریب ۳۰۰۰ تن از اهالی ناحیه مات در کنار پارتیزان ها به حملات هماهنگ دست زدند، در زرکان و زفرچان در منطقه دبیر، در کاردیک ماشکولورا (ژیروکاسترو)، در ویتکوک (کورچا) در ماه اگست، در رچ (اشکودرا) در اگست و سپتمبر. در این برخورد ها دشمن قریب ۱۵۰۰ کشته بر جای گذاشت. در همین دوره، پارتیزان ها بر سپاهیان المانی نیز در کنیس پل در ماه اگست و در جاده الباسان - تیرانا در آغاز سپتمبر ضربه زدند.

اشغالگران فاشیست از قیامی که در سراسر کشور بر پا شده بود به وحشت افتادند و در ماه جولای سراسر خاک البانی را منطقه عملیات اعلام کردند. سر فرمانده ایتالیائی مجبور به اعتراف شد که «خلق البانی در اکثریت عظیم خود صرف نظر از تعلقات طبقاتی علیه ایتالیا و علیه حضور سپاهیان ما در البانی به پا خاسته است»^۲ و برای مقابله با چنین وضعی از رُم کمک خواست.

ارتش رهائیبخش البانی به مثابه ارتش توده ئی انقلابی

ایجاد ستاد کل به حزب کمونیست امکان داد که تعالیم مارکسیسم - لنینیسم را در باره قیام توده ئی مسلحانه به وجه کاملتر بر شرایط البانی انطباق دهد و مسائل اساسی نظامی، سیاسی و سازمانی ارتش رهائیبخش ملی را حل کند.

^۱ - حکم، ۳۰ جولای ۱۹۴۳. اسناد ستاد کل سر فرماندهی ارتش رهائیبخش ملی البانی. جلد اول تیرانا ۱۹۶۵، صفحه ۲۲

^۲ - کماندوی ۹ / الف ارتش. گزارش ماهانه

ارتش رهائیبخش حتی پس از تشکیل ستاد کل مجبور بود جنگ پارتیزانی را به مثابه شکل عمده نبرد با دشمن بشناسد، و این امر معلول برتری نیرو های مسلح اشغالی به ویژه از لحاظ تسلیحات، مهمات، وسائل باربری و ارتباط، خوار و بار و پوشاک بود. در چنین شرایطی تن در دادن به نبرد جبهه ئی به معنای مرگ قیام مسلح رهائیبخش ملی بود.

عملیات رزمی واحد ها و قسمت های پارتیزانی، خصلت تعرضی داشت و به طور پیاپی صورت می گرفت. خصوصیت آنها عبارت بود از مبادرت ماهرانه به مانور های سریع و عملیات غافلگیرانه، ابتکار فراوان فرماندهی های گردان، هنگ، تیپ، استفاده زیرکانه از سرزمین.

ارتش رهائیبخش ملی البانی در عین حال که به جنگ پارتیزانی می پرداخت و وظائف ستراتیژیک نوع خاصی را نیز انجام می داد. حزب به او رسالت داده بود که سراسر کشور را با نیروی خود آزاد گرداند و ضمناً استقرار قدرت توده ئی را تأمین کند و پشتیبان مسلح این قدرت باشد.

فقط ارتش منظم می تواند چنین وظائفی را انجام دهد. از این جهت حزب کمونیست البانی مساعی بسیار به کار برد تا ارتش رهائیبخش ملی را به وجود آورد و آن را به ارتش منظم خلق البانی تبدیل کند.

در آغاز، مهمترین واحد ارتش منظم عبارت بود از تیپ. ستاد کل برنامه ای تنظیم کرد به منظور ایجاد تدریجی یک عده تیپ که کم کم بخش های عمده واحد های پارتیزانی و گردان ها و هنگ ها را در مناطق مختلف گرد آورد.

سازماندهی ارتش رهائیبخش ملی و رشد مداوم آن موجب می شد که نیاز به کادر های سیاسی و نظامی ورزیده افزایش یابد. ستاد کل و شورای عمومی رهائی ملی در شرایط مبارزه رهائیبخش ملی امکان نداشتند که مدارسی برای آموزش افسری بگشایند. فرماندهان و کمیسر ها در آتش نبرد های پرخشم و کین به ضد دشمن پرورش می یافتند و از صفوف کارگران، دهقانان، روشنفکران میهن پرست، از صفوف پارتیزان هائی که از همه دلیرتر و نسبت به خلق و حزب از همه فداکارتر بودند، بر می خاستند.

منبع عمده تدارکات پارتیزان ها از حیث اسلحه و مهمات، حتی پس از تشکیل ستاد کل و تا پایان جنگ، همچنان خود دشمن بود، ارتش اشغالگر و انبار های وی بود که اسلحه و مهمات در طی نبرد های سخت از آنها به دست می آمد.

پوشاک و خوراک قسمت ها و واحد های ارتش رهائیبخش البانی به طور عمده از طریق کمک های اهالی شهر و ده و بعضاً از طریق غنیمتی که از دشمن گرفته می شد تأمین می گردید. پارتیزان ها از طرف دهقانان و شهریان نواحی آزاد شده پذیرائی می شدند.

حزب اهمیت درجه اول می گذاشت به این که روحیه ارتش در سطح عالی نگهداری شود. هر پارتیزانی حاضر بود زندگی خود را برای آزادی، برای میهن، برای حزب کمونیست فدا کند و سرچشمه این نیروی معنوی در آگاهی عمیق جنگجویان بود. آنها خوب می دانستند که برای چه می جنگند، صحت مشی سیاسی حزب را کاملاً درک می کردند، کاملاً واقف بودند بر این که جنگ چه دشواری ها، محرومیت ها و فداکاریهائی ایجاد می کند و از اطمینان تزلزل ناپذیر به پیروزی آرمانی که از آن دفاع می کردند، نیرو می گرفتند.

سیمای معنوی پارتیزان ها در اثر انضباط آگاهانه، مهر ورزی وی به خلق، مهر ورزی وی بر رفقای، راستی و درستی صدیقانه اش، رفتار نمونه وارش با مردم، مراقبت فراوانش در مراعات عادات و سنن نیکوی کشور باز هم روشنی بیشتری یافت.

اینچنین استحکام خصوصیات عالی اخلاقی، سیاسی و نظامی پارتیزان ها از آنجا ناشی می شد که خصوصیات مذکور بر ایمان سیاسی و بر دموکراسی تکیه داشت. خلاف رسوم ارتش های سابق که مدافع منافع طبقات ارتجاعی بودند سربازان ساده در ارتش رهائیبخش ملی به همان اندازه از تساوی حقوق و آزادی کامل در شرکت در زندگی سیاسی کشور و حل و فصل مسائل نظامی، سیاسی و سازمانی ارتش بر خوردار بودند که فرماندهان و کمیسر های کلیه

عملیات نظامی واحد ها، کار سیاسی، فعالیت فرماندهی ها مبین مطالبات رزمندگان و خلق بود و برای آن که این فرمان ها و همچنین تصمیمات و رهنمود های حزب به بهترین وجه به عمل در آید تبادل نظر و بحث های وسیع صورت می گرفت.

دموکراسی در ارتش رهائیبخش ملی تجلی خصلت توده ئی وی بود و از این اصل سرچشمه می گرفت که توده ها سازنده تاریخ اند و نقش قطعی ایفاء می کنند.

این دموکراسی به هیچ وجه انضباط نظامی را تضعیف نمی کرد بلکه تقویت می کرد، آن را آگاهانه تر می گردانید. به رهبری متمرکز زیان نمی رسانید بلکه به تحقق آن یاری می داد.

اجرای استاندانه اصول تکتیکی پارتیزانی و روحیه بسیار عالی ارتش رهائیبخش ملی، امکان می داد که برتری عددی و فنی دشمن خنثی گردد و حتی بر آن غلبه شود.

آبدیدگی، صفات عالی اخلاق سیاسی و نظامی جنگجویان در ارتش رهائیبخش ملی البانی، کار حزب کمونیست بود.

کار سیاسی حزب به وسیله کمیسر های تیپ، هنگ، گردان و گروهان (واحد پارتیزانی سابق) رهبری می شد. کمیسر ها در عین حال عضو فرماندهی بودند. معاونان کمیسر ها وظائف دبیر حزب را ایفاء می کردند. برای این که کار سیاسی در ارتش بسط یابد حزب عده زیادی از بهترین کادر های خود را به آنجا فرستاد.

به موازات سازمان های حزب سازمان جوانان کمونیست نیز به مثابه دستیار ارگان ها و حوزه های حزبی، در ارتش ایجاد شد.

کمیسر ها و معاونان آنها، سازمان های حزب و جوانان کمونیست کار عظیمی در زمینه آموزش سیاسی در واحد های پارتیزانی انجام می دادند و نقش پیشاهنگ کمونیست ها و جوانان کمونیست را در اجرای وظائف رزمی ایفاء می کردند. آنها جنگجویان را با روحیه میهن پرستی و فداکاری در راه کشور، در راه خلق، در راه حزب کمونیست بار می آوردند، جنگجویان را بر حسب سنن پیکار جویانه انقلابی خلق البانی، بر حسب افکار مارکسیستی - لنینیستی، بر حسب اصول انترناسیونالیسم پرلتری و با روحیه همکاری با خلق هائی که علیه فاشیسم می جنگیدند، پرورش می دادند و ایمان به پیروزی را در دل پارتیزانها و اهالی می کاشتند و اجرای فرمان های ستاد کل و فرماندهی های پارتیزانی را تأمین می کردند.

حزب کمونیست از اعتماد کامل جنگجویان و کادر های ارتش رهائیبخش ملی البانی و از اعتبار بسیار در نزد آنها برخوردار بودند و این اعتماد و اعتبار از آنجا به دست آمد که کمونیست ها در نبرد و در رفتار خود سرمشق دیگران بودند.

کلیه مسائل مربوط به ساختمان ارتش، ستراتیژی، تکتیک و عملیات نظامی آن بر طبق رهنمود ها و تعالیم کمیته مرکزی حل و فصل می شد.

ایجاد ارتش رهائیبخش ملی، پیروزی بزرگ سیاسی و نظامی حزب بود. به این طریق حزب کمونیست البانی موفق شد یکی از قطعی ترین و دشوار ترین وظائف خود را انجام دهد.

ادامه دارد...